

جناب طالبی عذرخواهی کنید

ژانر رادیکالیسم



آقای طالبی؛ آن روی سکه بهره‌کش‌های جنسی؟!

جنبش me too در ایران اگرچه نتوانست مسیر درستی را پیش ببرد و از جایی به بعد دچار انحراف شد، اما مساله مهمی را مطرح کرد که حتی نهادهای حاکمیتی نیز به آن ورود کردند تا بتوانند محلی را برای شکایت زنان آزادبیده در فضای سینمای ایران فراهم کنند. با این حال متأسفانه رهبران این جنبش ایرانی ترجیح دادند زیر بار همکاری با نهادهای حاکمیتی برای پیگیری و مطالبه درست حقوق‌شان نروند و ماجرا را در شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی یا از طریق افراد در خارج از ایران هدایت کنند و حتی شکایتی در نهادهای داخلی ثبت نکنند. آنها نه‌تنها در جلساتی که نهادهای ذی‌ربط برای پیگیری مطالبات امضاکنندگان بیانیه این جنبش برگزار شد شرکت نکردند بلکه با تهدید، ارباب، عدم همکاری و تهدید سایر امضاکنندگان به طرد شدن از بدنه سینما، آنها را از شرکت در این جلسات منع کرده و تنها هر از گاهی یک روایت بدون سند و مدرک از آزادیدگی در فضای مجازی منتشر می‌کردند. اما آنچه که مسلم است برخی از زنان سینماگر به خاطر ترس از دست دادن حرفه خود دهان‌شان را باز نکردند و ترجیح دادند در کنار رنج آزار، دیگر دچار رنج بیکاری نشوند. موضوعی که چالش‌ها و بحث‌های مختلفی را میان سینماگران به‌وجود آورد و حتی اسامی مختلفی را به‌عنوان متعرض و آزادبیده مطرح کرد.

چند شب پیش ابوالقاسم طالبی، کارگردان سینما در برنامه «هفت» میهمان بهروز افخمی بود که بحث میان این دو کارگردان به این جنبش و اعتراضات زنان سینماگر رسید. این دو کارگردان در نقد انتشار اسامی و عدم اثبات ادعاهای مطرح‌شده درخصوص آزار سینماگران زن جملاتی را مطرح کردند که هر مخاطبی با هر سلیقه فکری و سیاسی را آزار می‌داد.

طالبی در اظهارنظری عنوان کرد که آزارها به زور نیست و افخمی نیز در تایید وی گفت که هیچ متر و معیاری برای اثبات ادعای این زنان وجود ندارد و معلوم نیست که مدعی برای جلب توجه این کار را انجام می‌دهد یا واقعا برایش اتفاقی افتاده است. طالبی با تاکید روی این نکته که ممکن است جمله‌ای که می‌گوید برای آنتن زنده مناسب نباشد گفت: «برخی از زنان می‌خواهند حتی یائسه شدن‌شان را هم تقصیر جمهوری اسلامی ببندازند و تا سن ۵۰ سالگی را رد می‌کنند، روسری‌شان را درمی‌آورند و به جمهوری اسلامی ناسزا می‌گویند(فحش می‌دهند) این موضوع طبیعی است. برای همه هم هست و در همه جهان اتفاق می‌افتد.» جملاتی که با خنده بهروز افخمی در جایگاه مجری و میزبان همراه می‌شود و صحنه زشتی را در یک برنامه فرهنگی رقم می‌زند.

یائسگی زنان یک امر طبیعی و ناخواسته است که به‌عنوان ابزاری برای تحقیر زنان در یک برنامه فرهنگی استفاده می‌شود. به‌خصوص از زنان کسی که خودش را در گفتمان انقلاب و نظام می‌داند و حتی در روزه کاری‌اش فیلم‌هایی هم برای جریان انقلاب دارد. اما طالبی باید بداند این ادبیات جایی در گفتمان انقلابی که در رأس آن امام و رهبری که محترمانه‌ترین و مودبانه‌ترین ادبیات را برای مسائل زنان به کار می‌بردند، ندارد. این حد از ادبیات جنسیت‌زده که تاکید دارد زنان در سینمای ایران هم مانند سینمای غرب کارکرد جنسیتی و ابزاری دارند بسیار زشت و زننده است. این نگاه از کارگردانی چون طالبی در آنتن زنده تلویزیون واقعا پذیرفتنی نیست و حرف او به‌جای آنکه نقدی به انحرافات و حاشیه‌های جنبش me too ایرانی باشد بیشتر رفتاری قلدرمآبانه و جنسیت‌زده به ساحت همه زنان ایرانی است.

با این حال از طالبی و افخمی و حتی عوامل برنامه هفت تلویزیون این انتظار می‌رود که هرچه سریع‌تر از مخاطبان خود به شکل رسمی عذرخواهی کنند و کاش توضیح دهند این دو کارگردان که خودشان را از بدنه اصیل سینما می‌دانند فرق‌شان با آن دسته که بهره‌کشی از زنان برای جذابیت‌های جنسی در فیلم‌ها را به رسمیت می‌شناسند چیست؟ تمسخر زنان به‌خصوص مسائل جسمی و فیزیولوژیک آنان تابه‌حال بارها در تریبون‌های مختلف و از سوی افراد مختلف تکرار شده است و به نظر می‌رسد تا زمانی که تاوانی جدی برای گوینده‌اش نداشته باشد، باز هم شاهد این حرف‌ها در تریبون‌های رسمی خواهیم بود.

چگونه با نگاه ابوالقاسم طالبی زنان را از اسلام، انقلاب و حجاب بیزار کنیم

سریال تحقیر زنان را تمام کنید

سریال تحقیر زنان به بهانه برداشتن حجاب با اظهارات ابوالقاسم طالبی در برنامه «هفت» از آنتن زنده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، وارد مرحله جدیدی شده است. کوتاه‌فکری‌ای که لباس تشرع یا انقلابی‌گری و دفاع از نظام به تن کرده و به قصد دفاع از آنچه که دین خدا، شرع مقدس یا انقلابی‌گری می‌داند، اخلاق و عقل را که در سطوحی بالاتر قرار دارند، به چالش می‌کشدو تحقیر می‌کند. شاید ما پیش از اندازه از آرمان‌هایی که در ابتدای انقلاب اسلامی از جان و دل می‌خواستیم و برای فهم‌شان تلاش می‌کردیم، دور شده باشیم. آرمان‌هایی که پیش از دوست داشته شدن و خواسته شدن، باید فهمیده می‌شدند و کتاب‌ها و سخنرانی‌های علمایی چون معلم شهید مطهری، منابع این فهم بود آنجا که تاکید می‌کرد جهان شریعت ذیل اخلاق و اخلاق ذیل عقل قرار می‌گیرند. حالا کدامین عقل است که به چنین تضادی حکم می‌کند؟ که برای دفاع از نظام جمهوری اسلامی یا دفاع از اصل حجاب، قاعده اخلاقی و دینی و طبعاً انسانی مبنی بر حرمت تمسخر افراد مجاز بشماریم؟

اما داستان این کوتاه‌فکری حتی در این نقطه هم تمام نمی‌شود. گویندگان این دست اظهارات حتی به تحقیر و تمسخر فعلی اشتباه مثل بی‌حجابی یا مثلاً اقدامات ضدنظام مخالفان بسنده نمی‌کنند بلکه آن را به زنانگی و مساله جنسیت هم توسعه می‌دهند و اینجا همان نقطه‌ای است که جهالت به حماقت ارتقا می‌یابد.

در این بافت، به جای اینکه یک فرد، خود را انسانی در مقابل عمل به زعم خودش اشتباه، حالا می‌خواهد افشاگری در مساله تعرض جنسی باشد یا کشف حجاب یا مخالفت با نظام، بداندو بگذارد، خود را یک مرد درمقابل زنانی تلقی می‌کند که با ابزار عادت ماهانه، یائسگی، بارداری و مسائلی پیرامون حوزه جنسیت آنها می‌تواند تحقیرشان کند تا از آنها امتیاز بگیرد و وادار به عقب‌نشینی‌شان کند. کوتاه‌فکری‌اش کجاست؟ اینجا که هنوز در قرن بیست‌ویکم میلادی پس از همه ماجراهایی که بشر از سر گذرانده و درست بعد از همه داستان‌هایی که بیخ گوش‌مان در چند ماه اخیر اتفاق افتاد، کسانی هستند که هنوز نمی‌فهمند این دست اظهارات نه‌تنها خاصیت هدایت‌کنندگی ندارند بلکه حتی در خلصت انتقام‌جویانه‌شان هم به‌شدت مخرب هستند و درست مثل همین الان که نویسنده چادری طرفدار نظام این متن دارد می‌نویسد، این دست حرف‌ها قدرت‌ش را دارند که همه زنان و بلکه حتی بخشی از مردان را به خاطر تلقی‌های خطاکارانه در حوزه مسائل جنسیتی، در یک جبهه مقابل جاهل‌ها و احمق‌ها قرار دهند.

خب چه سود پردید از این دست اظهارات؟ زنان را علیه افشاگری در تعرض جنسی قانع کردید؟ بی‌حجابی را در نظر مردم خصوصاً دختران و زنان جامعه ناپسند یا حتی تحقیر کردید؟ مخالفان جمهوری اسلامی را نسبت به خدمات انقلاب آگاه کردید؟

درواقع شما جز نوعی تخلیه عصبی موقت روی آنتن زنده که ناشی از کوتاه‌فکری و انتقام‌جویی و یک‌دست‌انگاری و مثل خودپنداری همه مخاطبان «رسانه ملی» کار دیگری نکرده‌اید و خروجی آن طبیعتاً چیزی جز افزایش لیجایت یا بیرون‌ریزی نفرت در بخش‌هایی از جامعه که پتانسیل مخالفت با حجاب یا نظام را دارد یا صرفاً از چهره شما بدش می‌آید، نمی‌تواند باشد. جواب‌های، هوی است اما بدبختانه هزینه «های» شما را صداوسیما می‌دهد که روزه‌روز مخاطبانش بیشتر می‌ریزند و به آن بدبین می‌شوند، و نظام که سرمایه‌های اجتماعی‌اش را از دست می‌دهد، و اقشار مذهبی که کف خیابان برای یک گفت‌وگوی ساده با غیر، مورد سوءظن واقع می‌شوند تا راه‌های هم‌صحبتی و همدلی در جامعه بیشتر دچار انسداد شود، و حجاب که مظلوم‌تر از همیشه سر هیچ و پوچ، گوشه‌رینگ قرار می‌گیرد، و از همه تلخ‌تر «زنانگی» و «هویت جنسیتی زن» که بیش از همیشه در نظر دختران جامعه سردرگم، تلخ و دوست‌نداشتنی می‌شود آن هم فقط به این خاطر که یک نفر در عرض یک دقیقه روی آنتن زنده تلویزیون تصمیم گرفته است درباره یائسگی و مخالفت با نظام و جنبش me too بی‌ربط بیافد! عادت ماهانه و یائسگی را همان کسی آفرید که به حجاب و اخلاق امر کرد. همان کسی که زوجیت را قاعده خلقت کرد، بنای بارداری و اتمام توان بارداری را گذاشت، بعضی مردها را کوتاه‌قدتر از دیگر مردان قرار داد، بعضی را سهم بیشتری از عقل داد و بعضی دیگر را کمتر، همو به حجاب امر کرده و اگر کسی با داعیه انقلابی‌گری قصد دفاع از نظام دارد بهتر است قبل از هر اظهارنظری، حرف خود را بسنجد تا میان مخلوقات الهی از سر چهل و حماقت، تولید تضاد نکند.



استاد علی نصیریان در فیلم «هفت بهار نارنج» هم درخشید، راز استمرار این درخشش چیست؟

آداب شهرت

آقای طالبی، عذرخواهی کنید

در ۴ ماه گذشته، اسم‌هایی زیادی از سینمای ایران به بهانه‌های مختلف سر زبان‌ها افتاد. از اسم آنها که با سینمای انقلابی شناخته شدند و به سعودی اینترنشنال پناهنده شدند تا اسم آنهایی که حجاب از سر برداشتند و صدای اعتراض‌شان را بلند کردند. از بین همه این اسامی اما سر زبان افتادن اسم ابوالقاسم طالبی تنها اسمی بود که دلم را سوزاند و مساله را برای من شخصی کرد!

یادم نیست دقیقاً چندساله بودم اما جایی در مرز بین جوانی و نوجوانی بود که برای اولین بار «دست‌های خالی» را دیدم و مسحور حوریه دختر جسور و احساساتی فیلم شدم. آنقدر فیلم را دیده‌ام که سکاسن چادر حوریه را لحظه به لحظه از برم؛ آنجایی که او در قامت یک مجرم حاضر نیست چادری که پیش از این سرش بوده را دوباره سرش کند برای اینکه مبادا جامعه تصویری مخدوش از زن مخجبه پیدا کند.

برای حوریه حتی در لحظه‌های سرد و تلخ اتهام به قتل هم مهم بود که به‌عنوان نماینده زن چادری، از ارزشی که به آن باور داشت محافظت کند، حتی به قیمت اینکه مجبور باشد پوشش همیشگی خودش را کنار بگذارد. جسارت حوریه و عقلا‌نیت او همان‌جا از پرده نقره‌ای سینما جلو آمد و در پستوی ذهن من ته‌نشین شد.

جادوی سینما کار خودش را کرده بود و حوریه را در ذهن مخاطبش ماندگار کرده بود آن هم نه به‌عنوان یک خاطره بلکه به‌عنوان یک الگو و آینه؛ تلاش حوریه برای حفاظت از آنچه به آن اعتقاد داشت شبیه یک نجوای درونی همیشه همراه من بود و هر بار در آستانه هر تصمیم، از پستوی ذهنم به من یادآوری کرد که مراقب نگاه مردم باشیم!

اسم ابوالقاسم طالبی هم برای حوریه و تاثیر عجیبش بود که در ذهن من نقش بست، از خیلی سال پیش از قلاده‌های طلا و پیش از آنکه او این‌طور از خلق کاراکترهای زنانه شبیه حوریه و نغمه فاصله بگیرد.

حالا برای شما می‌نویسم آقای طالبی؛ از طرف خبرنگار زن چادری که هنر شما در خلق حوریه، الهام‌بخش زندگی کاری و شخصی او بوده اما امروز با یک تناقض بزرگ از خالق شخصیت الهام‌بخش زندگی‌اش مواجه شده است.

آقای طالبی، ای کاش که حوریه در پستوی ذهن شما هم خانه‌ای داشت تا در بزنگاهی مثل آن شب کدایی در گوش شما فریاد بزند «مراقب نگاه مردم باش» اما دریغ از این تاثیر و این مراقبت که نبود تا اجازه ندهد شما اینقدر خودخواهانه به یک اندیشه و ایدئولوژی آسیب بزنید. این روزها فضای مجازی را دیده‌اید؟ کسی شما را با اسم‌تان سرزنش نمی‌کند، هرچه هست چسبیده به فیلم‌هایی که ساخته‌اید. شما را به‌عنوان کارگردان «قلاده‌های طلا» می‌شناسند، برای تسهیل مسیر تولیدش از اسم رهبر انقلاب هزینه کردید. چه بی‌محابا و پیرومندان‌ه زنان را به زعم خودتان تحقیر کردید و شبیه آنهایی که از سینما فقط چماق و دریدن پرده را بلد هستند همه حرمت‌ها را دریدید؛ بی‌آنکه حواس‌تان باشد سال‌های زیادی از دوران تحقیر کردن زنان برای زن بودن‌شان گذشته و اتفاقاً همان اندیشه‌ای که شما به‌عنوان مدافعش تمام حرمت‌ها را دریدید، دوران این تحقیرها را به پایان رساند.

آقای طالبی، کاش با خودتان فکر کنید که واقعا ابوالقاسم طالبی که ما از قاب تلویزیون دیدیم چه نسبتی با شخصیت‌ها و قصه‌هایی که خلق کرده بود دارد؟ چه چیزی شما را تا این اندازه از خودتان دور کرده است؟ شما حتی از ایدئولوژی مورد علاقه‌تان هم دور شده‌اید و در حالی زنان را تحقیر می‌کنید که فیلم‌های خودتان را به یک زن شریف و مقدس تقدیم می‌کردید. کجای اندیشه قدسی آن زن و خالق او مجوز تحقیرکردن زنانگی را صادر می‌کند؟! ای کاش به خودتان شبیه شوید، به کسی که قصه‌هایش را زنانی شریف اداره می‌کنند و حرمت‌شان خط قرمز قصه‌ها و روایت‌هاست؛ کسی که دغدغه‌های بزرگ برای زنان دارد. آقای طالبی اجازه بدهید حوریه در ذهن شما هم خانه‌ای بسازد و امیرحسین قصه دست‌های خالی عذرخواهی کردن را به شما بیاموزد. آقای طالبی، عذرخواهی کنید.

فاطمه سادات بکایی



منتقد سینما

فاطمه ترکاشوند



منتقد سینما